



بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری والدین بر شکل‌گیری طرحواره رهاشدگی در کودکان با توجه به نقش واسطه‌ای کیفیت ارتباط عاطفی والد - کودک

فاطمه سعدالدین^{۱*}، مریم فراتی^۲

۱- (فاطمه سعدالدین) دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه آزاد سمنان
(f99087091@gmail.com)

۲- (دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران)
(marvayam.forati@ut.ac.ir)

چکیده:

پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری والدین بر شکل‌گیری طرحواره رهاشدگی در کودکان انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه والدین مراجعه‌کننده به کلینیک رشد و خانه بازی آبنبات چوبی در سال ۱۴۰۴ بود. نمونه پژوهش شامل ۱۶ نفر از والدین بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۰)، پرسشنامه طرحواره یانگ (YSQ-SF) و پرسشنامه رابطه والد-کودک (CPRS) بودند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک‌های فرزندپروری به طور معناداری بر طرحواره رهاشدگی کودکان اثر می‌گذارند و کیفیت ارتباط عاطفی والد-کودک نقش واسطه‌ای معناداری در این رابطه ایفا می‌کند. نتایج بیانگر آن است که به کارگیری سبک فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند منجر به بهبود رابطه عاطفی والد-کودک و کاهش احتمال شکل‌گیری طرحواره رهاشدگی در کودکان شود.

کلمات کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، طرحواره، طرحواره رهاشدگی، طرحواره ناسازگار اولیه



مقدمه:

خانواده به عنوان اولین پایه گذار شخصیت، ارزش ها و معیارهای فکری هر فرد است که نقشی بارز در تعیین سرنوشت و سبک و خطمشی زندگی افراد در آینده دارد و سلامت و اخلاق فرد تا حدود زیادی به آن بستگی دارد (احدی و محسنی، ۱۳۸۶). خانواده اولین و مهم ترین محیطی است که کودک در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی پیدا می کند و بهترین مکان برای زندگی افراد است. طبق تحقیقات بیشتر روان شناسان و جامعه شناسان، تجارب سال های اول کودکی که معمولاً در خانواده ایجاد می شود، سازنده و زیربنای شخصیت و رفتارهای بعدی کودک است (اعزازی، ۱۳۸۰).

روابط کودک و والدین و سایر اعضای خانواده چون شبکه و نظامی درهم پیچیده است که افراد آن در کنش متقابل با یکدیگرند. تردیدی نیست که والدین بر اساس ویژگی هایی که مایل هستند فرزندشان دارا باشند روش ها و الگوهایی را به منظور تربیت آنان اتخاذ کنند (Biriya, Rahnema, Aghatehrani, Haghani et al, 2006).

سبک های فرزندپروری ترکیب هایی از رفتارهای والدین است که در موقعیت های گسترده ای روی می دهند و جو فرزندپروری بادوامی را پدید می آورد (برک لورا، ۱۳۸۷).

فرزندپروری فعالیت پیچیده ای شامل روش ها و رفتارهای ویژه است که به طور جدا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد. واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری، مبین تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان است (بامریند*، ۱۹۹۱). سبک های فرزندپروری سبک های فرزندپروری یا شیوه های تربیتی والدین بر بروز ناهنجاری های رفتاری فرزندان اثرات قابل توجهی دارد. نقش کیفیت رفتار والدین بر عملکرد تحصیلی، روابط با همسالان و سازگاری در دوره نوجوانی مشخص شده است (مکوبی، ۱۹۸۴). دارلینگ و اشتاین برگ[†] (۱۹۹۳) سبک های فرزندپروری را مجموعه ای از نگرش های والدین نسبت به فرزندان و در رابطه با تربیت فرزندان تعریف کردند که سبب ایجاد جوی عاطفی میان فرزندان و والدین می شود. در رابطه با فرزندپروری، بامریند در یک رشته تحقیقات، اطلاعاتی را گردآوری نمود و معلوم شد که فرزندپروری دو جنبه گسترده دارد: جنبه اول پرتوقع بودن و جنبه دوم پاسخ دهی است. ترکیبات مختلف پرتوقعی و پاسخ دهی، چهار سبک فرزندپروری را به بار می آورد که بامریند روی سه مورد از آنها تأکید دارد: سبک مقتدرانه[‡]، سبک مستبدانه[§] و سبک سهل گیرانه^{**}.

طرحواره ها الگوهای نسبتاً پایداری هستند که در اثر تجارب عاطفی منفی فرد ناشی از ناکامی در نیازهای روانی بنیادین در فرد نهادینه می شود. هاوکه و همکاران^{††} (۲۰۱۱). طرحواره های ناسازگار اولیه و راه های ناکارآمدی که بیماران از طریق آنها یاد می گیرند با دیگران کنار بیایند، اغلب زیربنای نشانه های مزمن اختلالات محور یک مثل اضطراب و افسردگی و... به شمار می روند (یانگ، ۱۳۹۸). به نظر یانگ و همکاران، در مورد شناسایی ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه^{‡‡} اشاره کرده اند که تعریف یکی از آنها عبارت است از: طرد^{§§} (باوری که فرد معتقد است افراد مهم در زندگی اش او را ترک خواهند کرد). از مهم ترین طرحواره ها در علم روان شناسی، طرحواره رهاشدگی^{***} است. رهاشدگی به این معناست که چنین افرادی همیشه انتظار دارند نزدیک ترین کسان خود را از دست بدهند و معتقدند بالاخره افراد نزدیکشان، بیمار می شوند، می میرند، به خاطر یک نفر دیگر آنها را ترک می کنند، به گونه ای غیر قابل پیش بینی عمل می کنند یا اینکه ناگهان غیبتشان می زند؛ بنابراین آنها

* Baumrind

† Darling & Steinberg

‡ Authoritative

§ Authoritarian

** Permissive

†† Hauke

‡‡ Early Maladaptive Schema

§§ Disconnection & rejection

*** Abandonment Schema



همیشه در حالت ترس و نگرانی زندگی می کنند و مدام گوش به زنگ علامتی هستند حاکی از اینکه دیگران آن ها را ترک می کنند (قادری، کلانتری و مهرابی، ۱۳۹۵)

افرادی که دارای طرحواره رهاشدگی - بی ثباتی هستند، اعتقاد دارند روابطشان با افراد مهم زندگی ثباتی ندارد، نسبت به دریافت محبت و برقراری ارتباط با اطرافیان بی ثبات یا بی اعتماد هستند. فرد احساس می کند که افراد مهم زندگی اش نمی توانند حمایت عاطفی و تشویق لازم را به وی بدهند، زیرا این افراد از لحاظ هیجانی، بی ثبات، غیرقابل پیش بینی، اعتمادناپذیر و نامنظم هستند. فردی که چنین طرحواره ای در ذهنش شکل گرفته باشد، معتقد است هر لحظه امکان دارد افراد مهم زندگی اش بمیرند یا اینکه او را رها کنند و به فرد دیگری علاقه مند شوند (یانگ^{*}، ۱۳۹۰).

برخی از افراد که طرحواره رهاشدگی به منظور جلوگیری از درد ناشی از فقدان غیرقابل اجتناب، از برقراری روابط صمیمانه خودداری می کنند. این افراد در قالب فدائیان تداوم طرحواره، معمولاً افراد مهم زندگی خود را به گونه ای انتخاب می کنند که به احتمال زیاد آنها را رها کنند؛ مانند انتخاب یک "خانم بی قید و بی مسئولیت". این افراد در قبال چنین عشق های آتشین می شوند (ون، بورس، ریلوفس و بورنستین[□]، ۲۰۱۷).

حال این سؤال مطرح است که در بستر پیچیده و پر رمز و راز روابط خانوادگی، چگونه سبک های فرزندپروری والدین، از طریق کیفیت ارتباط عاطفی والد - کودک، بر شکل گیری طرحواره رهاشدگی در کودکان تأثیر می گذارند و این تأثیر چه پیامدهایی بر روان و رفتار کودک به دنبال دارد؟

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

سبک های فرزندپروری موجب ایجاد فضای تعاملی گسترده می شود (اسلاوین، ۱۳۹۳)؛ و در هر خانواده به شیوه خاصی به کار گرفته می شود که تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... است (هاردی و همکاران، ۱۹۹۳). سبک های فرزندپروری[□] ترکیب هایی از رفتارهای والدین است که در موقعیت های گسترده ای روی می دهند و جو فرزندپروری بادوامی را پدید می آورند (برک لورا[□]، ۱۳۸۷: ۴۸۰).

- * Prenatt
- * Heidgerken
- * Farzadfar & Houman
- * Marmon
- * Harris and Curtin
- * Cecero. & Young
- * Torres
- * Ioper
- * Griffith
- * Turner & Rose & Cooper
- * nurturance
- * authority
- * control
- * Disconnection & rejection
- * Impaired autonomy and performance



پژوهش‌های زیادی به بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و عملکرد والدین با علائم اختلالات روانشناختی و رفتارهای مختل پرداخته‌اند (پریوات^{*}، ۲۰۰۳؛ هید گر کن و همکاران[□]، ۲۰۰۴؛ فرزاد فرد و هومن[□]، ۲۰۰۸). از طرفی حجم وسیعی از پژوهش‌ها به بررسی اثرگذاری طرحواره‌های ناکارآمد در علائم اختلالات روانشناختی پرداخته‌اند (مارمون[□] و همکاران، ۲۰۰۴؛ هریس و کرتن^{**}، سیسرو و یانگ^{□□}، ۲۰۰۱؛ تورس^{□□}، ۲۰۰۲؛ لوپر^{□□}، ۲۰۰۳؛ گریفیث^{***}، ۲۰۰۳؛ ترنر، رز و کوپر^{□□□}، ۲۰۰۵). از این میان و باتوجه به مبانی نظری عنوان شده در ابتدای بحث در رابطه با اهمیت عملکرد والدین در شکل‌گیری طرحواره‌ها می‌توان استنباط کرد که سبک‌های فرزندپروری در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه سهمی دارند.

سبک‌های فرزندپروری برخاسته از ویژگی‌های پایدار والدین در طول زمان است که زمینه زیست‌محیطی و عاطفی تحول و اجتماعی شدن کودک را فراهم می‌کند (یزدانی و دریایی، ۲۰۱۶).

در مورد چگونگی ارتباط با فرزندان سؤال‌های زیادی مطرح می‌شود. مرور پژوهش‌های انجام شده در زمینه سبک‌های فرزندپروری بیانگر اهمیت و نقش آن در شکل‌گیری شخصیت و آینده تحصیلی و شغلی فرزندان است و بسیاری از خانواده‌ها نیز با پیامدهای روش تربیتی خود آشنا نیستند و فرزندان خود را با شیوه‌های ناکارآمد تربیت می‌کنند، در نتیجه خود و فرزندان‌شان با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند (شکوهی، یکتا و پزند، ۱۳۸۷).

شهامت و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه خود نشان دادند سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده معناداری برای سطوح پایین‌تر طرحواره ناسازگار طرد/بی‌ثباتی سبک فرزندپروری سهل‌گیر پیش‌بینی‌کننده سطوح بالاتر طرحواره استحقاق / بزرگ‌منشی است. نتایج پژوهش خورشید زاده و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که طرحواره درمانی در کاهش ترس و اضطراب اجتناب و فعالیت طرحواره‌های ناسازگار اولیه و همچنین در درمان اختلال اضطراب اجتماعی زنان از اثربخشی لازم برخوردار است.



گانتی و بوری (۲۰۰۸) در بررسی اثر عملکرد والدین در رابطه با سه مؤلفه مهرورزی*، اقتدار[□] و کنترل[□] و شکل گیری طرحواره های ناکارآمد بیان می کنند که عملکرد والدین پیش بینی کننده معناداری برای برخی حیطه های طرحواره ها (قطع ارتباط / طرد[□] و عملکرد/ خودگردانی مختل^{**}) است.

طرحواره های ناسازگار اولیه از دوران بچگی شکل می گیرد که می تواند بر رفتار و شناخت هر فرد تأثیر بگذارد؛ لذا شناخت و حل طرحواره ها می تواند در بهبود کیفیت زندگی فرد مؤثر باشد (سید شریفی، نوابی نژاد و فرزاد، ۱۳۹۸). قادری، فرزاد و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که بین میانگین نمرات طرحواره های ناسازگار اولیه در مرحله پس آزمون در دو گروه تفاوت معنی داری مشاهده می شود و طرحواره درمانی موجب کاهش معنادار نمرات تمامی طرحواره های ناسازگار اولیه به جز دو طرحواره رهاشدگی / بی ثباتی و اطاعت در افراد گروه آزمایش شده است.

طرحواره رهاشدگی شامل باور مداوم به ازدست دادن افراد مهم زندگی است که می تواند منجر به اضطراب، ناامنی در روابط بین فردی و آسیب های عاطفی شود (هنه و همکاران، ۲۰۲۴). در طرحواره درمانی یانگ، درمان طرحواره رهاشدگی می تواند به بهبود بیماران مرزی کمک زیادی کند. اما یکی از محدودیت های این رویکرد درمان اجتناب بیماران از مواجه شدن با احساس رهاشدگی است. تعدادی از بیماران مرزی مقاومت و اجتناب بیشتری برای تصویرسازی ذهنی دارند. تصاویر ذهنی آنها مبهم و پراکنده است یا اصلاً نمی توانند تصویری را در ذهن خود مجسم کنند یا اینکه به نظر می رسد همراه با تصاویر ذهنی شان هیجانی را تجربه نمی کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). بر همین اساس، خلأ موجود در ادبیات پژوهش، ما را بر آن داشت تا به بررسی این مسئله بپردازیم که آیا سبک های مختلف فرزندپروری می توانند از طریق کیفیت ارتباط عاطفی والد-کودک، بر شکل گیری طرحواره رهاشدگی در کودکان تأثیرگذار باشند؟

روش کار:

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه والدینی که به کلینیک رشد و خانه بازی آبنبات چوبی در سال ۱۴۰۴ مراجعه کردند را تشکیل می دهند. با توجه به گستردگی جامعه و عدم امکان اجرای پژوهش بر کل افراد جامعه، از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده است. برای

- * Prenatt
- * Heidgerken
- * Farzadfar & Houman
- * Marmon
- * Harris and Curtin
- * Cecero. & Young
- * Torres
- * Ioper
- * Griffith
- * Turner & Rose & Cooper
- * nurturance
- * authority
- * control
- * Disconnection & rejection
- * Impaired autonomy and performance



تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران و همچنین جدول مورگان بهره گرفته شد؛ چرا که این روش‌ها از پرکاربردترین روش‌ها در برآورد حجم نمونه آماری به شمار می‌روند و مستلزم اطلاع از حجم دقیق جامعه هستند. بر اساس آمار اعلام‌شده تعداد کل کودکان ۳۵ نفر، حجم نمونه برابر ۱۶ نفر تعیین گردید. لازم به ذکر است که پرسش‌نامه‌ها به تمام والدین تحویل داده شد. جهت گردآوری اطلاعات نظری مربوط به ادبیات موضوع از روش مطالعه کتابخانه‌ای بهره گرفته شد و به‌منظور جمع‌آوری داده‌های تجربی مرتبط با فرضیه‌های تحقیق، از روش میدانی با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد استفاده گردید. داده‌های گردآوری‌شده، در دو سطح مورد تحلیل قرار گرفتند: در سطح توصیفی، از شاخص‌هایی مانند میانگین و انحراف معیار، و در سطح استنباطی از آزمون‌های همبستگی و رگرسیون با رعایت پیش‌فرض‌ها استفاده شد. تمامی تحلیل‌ها با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ انجام شد.

پرسشنامه فرزندپروری بامریند (۱۹۹۰): این پرسشنامه والدگری* که در سال ۱۹۹۰ توسط «بامریند» ساخته شده، این پرسشنامه توسط حسین‌پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است که از سه الگوی آزادگذاری، استبدادی و مقتدرانه والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و سبک‌های والدگری ساخته شده است. این پرسشنامه در سال ۱۹۹۰ توسط «بامریند» ساخته شد که از سه الگوی آزادگذاری، استبدادی و مقتدرانه والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و سبک‌های والدگری ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه مقتدر والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. الگوی پاسخ‌دهی به سؤال‌ها از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تبعیت می‌کند بدین صورت که از مادر خواسته می‌شود از بین ۵ پاسخ (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم، کاملاً موافقم) پاسخی را انتخاب کند که مطابقت بهتری با وضعیت موجود دارد. نمره‌گذاری این پرسشنامه به ترتیب (۱-۲-۳-۴-۵) است. برای اعتبار (۱۹۹۱) برای محاسبه روایی از (روش بازآزمایی) و (ثبات درونی) را با استفاده از فرمول (آلفای کرونباخ) محاسبه نمود که ۷۵٪ برای سهل گیر و ۸۵٪ برای استبدادی و ۸۲٪ مقتدرانه به دست آورد (مهرافروز، ۱۳۷۸). اسفندیاری (۱۳۷۴) اعتبار بازآزمایی این پرسشنامه را برای آزادگذاری ۶۹٪ برای استبداد ۷۷٪ و مقتدرانه ۷۳٪ گزارش کرده است. بینم (۱۳۷۹) میزان اعتبار این پرسشنامه به روش بازآزمایی ۸۱٪ برای آزادگذاری ۸۵٪ برای استبدادی ۹۲٪ برای مقتدرانه پدران گزارش کرده است. همچنین ضریب اعتبار در این پژوهش ۶۹٪ برای سهل گیر و ۷۵٪ برای استبدادی و ۸۴٪ مقتدرانه حاصل شد.

۲. پرسشنامه طرحواره یانگ (YSQ-SF): فرم اصلی این پرسشنامه دارای ۷۵ عبارت است که در طیف شش‌درجه‌ای از کاملاً غلط (۱) تا کاملاً درست (۶) نمره‌گذاری می‌شود (والر، میر و اوهانیان، ۲۰۰۱). قهاری و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای در بین دانشجویان روایی عاملی تأییدی این پرسشنامه را مطلوب گزارش کردند. آنان ضریب آلفای کرونباخ در زیرمقیاس‌ها را از ۰/۷۶ تا ۰/۹۰ به دست آوردند. زیرمقیاس طرحواره انزوای اجتماعی دارای ۵ عبارت است که نمره بالاتر در آن نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب‌تر است. در مطالعه حاضر ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ به دست آمد.

۳. پرسشنامه رابطه والد - کودک (CPRS): این مقیاس توسط پیاننا برای اولین بار در سال ۱۳۹۴ ساخته شد و شامل ۳۳ ماده است که ادراک والدین را در مورد رابطه خود با کودکشان را مورد سنجش قرار می‌دهد. این پرسشنامه توسط طهماسبیان و خرم‌آبادی (۱۳۸۶) ترجمه و روایی محتوی آن نیز توسط متخصصان ارزیابی شد (ابارشی، ۱۳۸۸). این مقیاس شامل حوزه‌های تعارض (۱۷ ماده)، صمیمیت (۱۰ ماده)، وابستگی (۶ ماده)، و رابطه مثبت کلی (مجموع تمام حوزه‌ها) می‌باشد (عاشپورآبادی و همکاران، ۱۳۹۱). تعارض جنبه‌های منفی رابطه مانند کشمکش با یکدیگر، عصبانی شدن نسبت به یکدیگر، نافرمانی و عدم‌پذیرش مهار و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن را در برمی‌گیرد (خداپناهی و همکاران، ۱۳۹۱). صمیمیت به میزانی که والدین رابطه خود را با فرزندشان گرم، عاطفی و راحت برداشت می‌کنند، اطلاق می‌شود (دیسکرول و پیاننا،

* BoMrine.H Parent Questionnaire

† Boray.D



۲۰۱۱). وابستگی، میزان وابستگی نابهنجار مادر و کودک را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (خداپناهی و همکاران، ۱۳۹۱). رابطه مثبت کلی نیز بر روابط نزدیک و صمیمی والد - کودک تأکید دارد. مقیاس رابطه والد - کودک یک پرسشنامه ی خود گزارش‌دهی است و نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (نمره ۵ برای قطعاً صدق می‌کند و نمره ۱ برای قطعاً صدق نمی‌کند) صورت می‌پذیرد. برای به‌دست‌آوردن نمره رابطه مثبت کلی در این مقیاس، می‌بایست نمرات سؤالات حوزه‌های تعارض و وابستگی معکوس شوند (ابارشی، ۱۳۸۸). نمره بالا در هر یک از خرده مقیاس‌ها نشانگر وجود بیشتر مؤلفه‌های یاد شده است. شیوه نمره‌گذاری بر پایه مقایسه نمرات پیش‌آزمون با پس‌آزمون و معنادار بودن این تفاوت انجام می‌شود. این مقیاس برای سنجش رابطه والد - کودک در تمام سنین استفاده شده است (عابدی شاپورآبادی و همکاران، ۱۳۹۱). هر کدام از حوزه‌های تعارض، صمیمیت، وابستگی و رابطه مثبت کلی به ترتیب با آلفای کرونباخ ۰/۴۶، ۰/۶۹، ۰/۸۰ و ۰/۸۰ مشخص شدند (ابارشی، ۱۳۸۸).

یافته‌ها

باتوجه به پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری والدین بر شکل‌گیری طرحواره رهاشدگی در کودکان باتوجه به نقش واسطه‌ای کیفیت ارتباط عاطفی والد - کودک و با به‌دست‌آوردن داده‌ها در جدول شماره ۱، آمار توصیفی را به دست آوردیم که والد، فرزند و یانگ ۱۶ درصد معتبر است و میانگین والد ۱۱۹.۵۶۲۵، میانگین فرزند، ۱۱۳.۶۲۵۰ و میانگین یانگ ۱۹۵.۸۱۲۵ می‌باشد و میانه به‌دست‌آمده والد ۱۱۲.۵۰۰۰، فرزند ۱۱۹.۵۰۰۰ و یانگ ۱۳۳.۵۰۰۰ است و نتایج به‌دست‌آمده از مد نیز در والد ۹۹.۰۰ و فرزند ۶۷.۰۰ و یانگ ۹۶.۰۰ می‌باشد و همچنین انحراف معیار به‌دست‌آمده از جدول‌ها برای والد ۲۸.۴۸۸۵۲، فرزند ۲۹.۲۷۵۴۲ و یانگ ۹۷.۱۸۹۳۱ و واریانس والد ۸۱۱.۰۵۰، فرزند ۸۵۷.۰۵۰ و یانگ برابر ۹۴۴۵.۷۶۳ می‌باشد و همچنین تفسیر داده‌ها نشان می‌دهد که سطح ادراک طرحواره رهاشدگی در کودکان نسبتاً بالا است و همچنین انحراف معیار بالا در طرحواره رهاشدگی بیانگر آن است که کودکان مورد تحقیق، در شدت تجربه این طرحواره تفاوت‌های زیادی دارد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد، مقدار شاپیرو - ویلک و ضرایب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری و طرحواره رهاشدگی

N	معتبر	والد	فرزند	یانگ
	گم‌شده	*	*	*
	میانگین	۱۱۹.۵۶۲۵	۱۱۳.۶۲۵۰	۱۹۵.۸۱۲۵
	میانه	۱۱۲.۵۰۰۰	۱۱۹.۵۰۰۰	۱۳۳.۵۰۰۰
	مد	۹۹.۰۰	۶۷.۰۰ ^a	۹۶.۰۰ ^a
	انحراف معیار	۲۸.۴۸۸۵۲	۲۹.۲۷۵۴۲	۹۷.۱۸۹۳۱
	واریانس	۸۱۱.۵۹۶	۸۵۷.۰۵۰	۹۴۴۵.۷۶۳



جدول ۲: ضریب همبستگی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با طرحواره رهاشدگی

فرزند	والد	یانگ
همبستگی پیرسون	۱	۵۹۹
ضریب همبستگی (دو دامنه)	۰۱۴	۰۰۰
N	۱۶	۱۶
همبستگی پیرسون	۵۹۹	۱
ضریب همبستگی (دوطرفه)	۰۱۴	۰۰۹
N	۱۶	۱۶
همبستگی پیرسون	-۸۴۸	۱
ضریب همبستگی (دوطرفه)	۰۰۰	۰۰۹
N	۱۶	۱۶

در جدول شماره ۲، همبستگی را به دست آوردیم که همبستگی پیرسون یانگ -۸۴۸، والد ۵۹۹ و فرزند آن برابر ۱ است و ضریب همبستگی پیرسون (دوطرفه) آن در یانگ برابر ۰ و در والد هم ۰۱۴ است که این مقدار از فرزند و با تعداد ۱۶ نفر گرفته شده است و همبستگی بعد از والد گرفته شد که همبستگی پیرسون آن در یانگ -۶۲۹، در والد ۱ و در فرزند برابر ۵۹۹ می باشد و ضریب همبستگی پیرسون (دوطرفه) آن در یانگ برابر ۰۰۹ و در فرزند برابر ۰۱۴ است که این مقدار از والد با تعداد ۱۶ نفر گرفته شد و همبستگی بعدی از یانگ به دست آمده که همبستگی پیرسون آن در یانگ برابر ۱، در والد برابر -۶۲۹ و در فرزند هم -۸۴۸ است و ضریب همبستگی پیرسون (دوطرفه) آن در والد ۰۰۹ و در فرزند برابر ۰ می باشد که این مقدار از یانگ و با تعداد کل ۱۶ نفر گرفته شده است. تفسیر نتایج بالا نشان می دهد که نتایج بیانگر آن است که سبک‌های فرزندپروری مثبت تر (به ویژه سبک مقتدرانه) با کاهش طرحواره رهاشدگی و بهبود رابطه عاطفی والد-کودک همراه هستند. در مقابل، سبک‌های منفی و مستبدانه احتمال شکل گیری طرحواره رهاشدگی را افزایش می دهند.

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون بین بهبود سبک‌های فرزندپروری و طرحواره رهاشدگی

مدل R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد تخمین
۱	۰۸۴۸ ^a	۰۷۱۹	۰۶۹۹
			۵۳۰۳۶۱۴۲

در جدول شماره ۳ نتایج رگرسیون گزارش شد. ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۸۴۸ است. ضریب تعیین برابر با ۷۱۹ می باشد که نشان می دهد حدود ۷۲ درصد از تغییرات طرحواره رهاشدگی توسط سبک‌های فرزندپروری و کیفیت رابطه والد-کودک تبیین می شود. ضریب تعیین تعدیل شده نیز برابر با ۶۹۹ به دست آمد که نشان دهنده نقش آن در جامعه آماری است. همچنین مقدار خطای استاندارد برابر با ۵۳۰۳۶۱۴۲ محاسبه شد.



جدول ۴: آزمون تحلیل واریانس و Anova

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
رگرسیون ۱	۱۰۱۸۲۲.۲۵۴	۱	۱۰۱۸۲۲.۲۵۴	۳۵.۷۵۹	.۰۰۰b
باقی مانده	۳۹۸۶۴.۱۸۳	۱۴	۲۸۴۷.۴۴۲		
کل	۱۴۱۶۸۶.۴۳۷	۱۵			

در جدول شماره ۴، مقدار F برابر با ۳۵.۷۵۹ و سطح معناداری آن .۰۰۰ به دست آمد. از آنجاکه سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که مدل به طور کلی معنادار است و سبک های فرزندپروری و کیفیت رابطه والد-کودک توانسته اند بر روی طرحواره رهاشدگی تأثیر بگذارند. همچنین میانگین مربعات ۱۰۱۸۲۲.۲۵۴ و میانگین مربعات ۲۸۴۷.۴۴۲ است.

جدول ۵: خطای برآورد و استاندارد اندازه گیری شده

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	ضرایب
	B	خطای استاندارد	بتا		
ثابت ۱	۵۱۵.۵۸۹	۵۵.۱۱۴		۹.۳۵۵	.۰۰۰
فرزند	-۲.۸۱۴	.۴۷۱	-.۸۴۸	-۵.۹۸۰	.۰۰۰

در جدول شماره ۵، مقدار ثابت برابر با ۵۱۵.۵۸۹ است. ضریب متغیر فرزند برابر با -۲.۸۱۴ می باشد. همچنین مقدار بتا -۸۴۸ و t برابر با -۵.۹۸۰ گزارش شد که این نتایج نشان می دهد که سبک های فرزندپروری بر طرحواره رهاشدگی اثرگذار هستند و با افزایش نمره سبک های فرزندپروری مثبت و میزان طرحواره رهاشدگی کاهش پیدا می کند

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر سبک های فرزندپروری والدین بر شکل گیری طرحواره رهاشدگی در کودکان باتوجه به نقش واسطه ای کیفیت ارتباط عاطفی والد - کودک است. نتایج نشان داد سبک های فرزندپروری مثبت و مقتدرانه همراه با کیفیت بالای رابطه عاطفی والد-کودک می تواند به کاهش طرحواره رهاشدگی منجر شود. نتایج به دست آمده نشان می دهد فرضیه پژوهشگر در رابطه با دو طرحواره طرد/ بی ثباتی و استحقاق تأیید می شود. طرحواره طرد/ بی ثباتی از روی سبک فرزندپروری مقتدر قابل پیش بینی است. به این صورت که در افرادی که سبک فرزندپروری والدین آنها مقتدر است این طرحواره به طور معناداری کمتر شکل می گیرد. این طرحواره در مقوله قطع ارتباط و طرد می گنجد. در این مقوله نیازهای انسان به امنیت، ثبات، همدلی شرکت در احساسات و پذیرش به شیوه ای قابل پیش بینی ارضا نخواهد شد. به طور معمول این نیازها در خانواده هایی که بریده، سرد، طردکننده، منزوی، انفجاری، بدرفتار و رهاکننده هستند برآورده نمی شود.

نتایج به دست آمده نشان می دهد که ریشه تحولی طرحواره های ناسازگار اولیه در تجارب ناگوار دوران کودکی نهفته است و شیوه های فرزندپروری در حوزه طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و همچنین محدودیت های مختل پیش بین خوبی برای طرحواره های ناسازگار می باشد. افرادی که طرحواره هایشان در حوزه بریدگی و طرد قرار دارد، نمی توانند دلبستگی های ایمن و رضایت بخشی با دیگران برقرار نمایند. چنین افرادی معتقدند که



نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد. خانواده‌های اصلی آنها معمولاً بی‌ثبات (رهاشدگی، بی‌ثباتی)، بدرفتار (بی‌اعتمادی، بدرفتاری)، سرد و بی‌عاطفه (محرومیت هیجانی)، طردکننده (نقص/شرم)، یا منزوی (انزوای اجتماعی/بیگانگی) هستند. افرادی که طرحواره هایشان در حوزه بریدگی و طرد قرار می‌گیرد (مخصوصاً چهار طرحواره اول)، و اغلب بیشترین آسیب را می‌بینند، بسیاری از آنها دوران کودکی تکان‌دهنده‌ای داشته‌اند در بزرگسالی تمایل دارند به گونه‌ای نسنجیده و شتاب‌زده از یک رابطه خود آسیب‌رسان به رابطه‌ای دیگر پناه ببرند یا از برقراری روابط بین‌فردی اجتناب کنند (یانگ و براون، ۲۰۰۳). می‌توان گفت که شیوه‌های فرزندپروری از لحاظ عاطفی محروم‌کننده، تحقیرکننده که در دوران کودکی فرزندانشان را تحقیر و آنها را ترک می‌کردند می‌توانند پیش‌بین خوبی برای طرحواره‌های ناسازگار در حوزه طرد و بریدگی باشد (شفیلد، ۲۰۰۶).

طرحواره رهاشدگی/طرد این باور را در ذهن فرد ایجاد می‌کند که افراد مهم زندگی او را دیرپازود ترک خواهند کرد و در نتیجه تا پایان عمر از نظر عاطفی تنها خواهد ماند. چنین افرادی باور ندارند که عزیزانشان پس از جدایی موقت بازمی‌گردند و احساس می‌کنند تقدیرشان با تنهایی و بی‌پناهی گره‌خورده است. برخلاف افراد سالم که دوری‌های کوتاه‌مدت را تحمل‌پذیر می‌دانند و آن را موجب صمیمیت بیشتر می‌پندارند، کسانی که در دام این طرحواره گرفتارند فاقد پایگاه ایمنی درونی بوده و از جدایی‌های موقت به شدت آشفته می‌شوند. آن‌ها زود به دیگران وابسته شده و در برابر جدایی‌های کوتاه‌مدت به شدت عصبانی یا وحشت‌زده می‌شوند؛ حالتی که به‌ویژه در روابط عاطفی اثرگذار است. این طرحواره معمولاً در مراحل اولیه رشد، حتی پیش از زبان‌آموزی، شکل می‌گیرد و افراد در بزرگسالی نیز خاطره روشنی از زمان شکل‌گیری آن ندارند. بزرگسالانی که تجربه رهاشدگی یا شکست در روابط صمیمی دارند نیز مستعد این طرحواره هستند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد سبک‌های فرزندپروری و کیفیت رابطه والد-کودک در شکل‌گیری طرحواره رهاشدگی نقش مهمی دارند. این نتیجه همسو با پژوهش (رضوانی، ثابتی و شهامت، ۱۳۸۹) است که نشان دادند سبک فرزندپروری مقتدرانه با کاهش طرحواره رهاشدگی/بی‌ثباتی همراه است و در مقابل، سبک سهل‌گیر زمینه‌ساز طرحواره استحقاق/بزرگ‌منشی می‌باشد؛ بنابراین توجه به سبک‌های فرزندپروری مناسب می‌تواند از بروز طرحواره‌های ناسازگار اولیه پیشگیری کند. همچنین نتایج حاضر نشان داد کیفیت رابطه عاطفی والد-کودک به‌عنوان یک عامل واسطه‌ای می‌تواند این ارتباط را تقویت یا تضعیف کند. این یافته‌ها همسو با پژوهش‌های پیشین مانند شهامت و همکاران و شجاع و همکاران است که نقش سبک‌های فرزندپروری را در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه تأیید کرده‌اند، با این تفاوت که پژوهش حاضر نقش رابطه عاطفی والد-کودک را نیز در این فرایند برجسته ساخته است. براین‌اساس، توجه هم‌زمان به سبک فرزندپروری و کیفیت ارتباط والد-کودک می‌تواند در پیشگیری از شکل‌گیری طرحواره رهاشدگی اهمیت ویژه‌ای داشته باشد.

محدودیت‌های پژوهش

از جمله محدودیت‌های این پژوهش آن بود که گردآوری داده‌ها در فصل تابستان انجام شد و به همین دلیل دسترسی به والدین کودکان محدود بود و فرایند جمع‌آوری اطلاعات با دشواری‌هایی همراه شد. همچنین به علت تعداد نسبتاً زیاد سؤالات پرسشنامه، برخی آزمودنی‌ها دچار خستگی شدند و پرسشنامه‌ها را با دقت کافی تکمیل نکردند یا به متن پرسش‌ها توجه لازم را نشان ندادند که این مسئله می‌تواند بر دقت داده‌ها و تفسیر نتایج تأثیر بگذارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از حجم نمونه بزرگ‌تر و نیز نظارت دقیق‌تر پژوهشگر هنگام تکمیل پرسشنامه‌ها استفاده شود.



پیشنهادهای

باتوجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می شود والدین در دوره های آموزشی و کارگاه های فرزندپروری شرکت کنند تا با سبک های تربیتی مؤثر آشنا شوند. همچنین مشاوران خانواده می توانند بر بهبود کیفیت ارتباط عاطفی والد-کودک تمرکز کنند. این اقدامات می تواند به پیشگیری از شکل گیری طرحواره های ناسازگار از جمله رهاشدگی در کودکان کمک کند.

منابع فارسی:

- اسلاوین، رابرت ای (۱۳۹۳). روانشناسی تربیتی، *از نظریه تا کاربری*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر روان.
- برگ، لورا (۱۳۸۷). *روانشناسی رشد ترجمه یحیی سید محمدی*، انتشارات ارسباران.
- سید شریفی، منصوره؛ نوایی نژاد، شکوه و فرزاد، ولی الله (۱۳۹۸). *مقایسه اثربخشی رویکرد هیجان مدار و طرحواره درمانگری بر خودکارآمدی والدگری مادران سرپرست خانواده*. فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی، ۱۸(۷۶)، ۴۰۷-۴۱۵.
- شهابت فاطمه، علیرضا، رضوانی سمائی، ۱۳۸۹، *بررسی رابطه سبک های فرزندپروری و طرحواره های ناسازگار اولیه*، نشریه مطالعات تربیتی و روان شناسی، ۱۱(۲)، ۲۵۴-۲۳۹.
- قادری، فرزاد؛ کلانتری مهرداد و مهرابی، حسینعلی (۱۳۹۵). *اثربخشی طرحواره درمانی گروهی بر تعدیل طرحواره های ناسازگار اولیه و کاهش علائم اختلال اضطراب اجتماعی*. مطالعات روانشناسی بالینی ۶(۲۴)، ۱-۲۸.
- یانگ، جفری؛ کلووسکو، ژانت. (۱۹۵۰). *زندگی خود را دوباره بیافرینید*، ترجمه حسن حمیدپور، الناز پیرمرادی و ناهید گلی زاده (۱۳۹۵) تهران: انتشارات ارجمند.

- Baumrind D. (1991). *Effective parenting during the early adolescent transition In P.A.Cowan & E.M.Hetherington(Eds)*. Family tranaitions. (vol.2 pp.111-163).MillsdalenJ:Erlbaum.
- Baumrind, D. (1991).*The influence of parenting style on adolescent competence and substance use*.The Journal of Early Adolescence, 1(11), 56-95.
- Biriya,N. Rahnama,A. Aghatehrani,M. Haghani,A et al. (2006). *Developmental psychology(2)whit a view to Islamic sources.Tehran*: Samt. Persian.
- Cristea, I. A., Gentili, C., Cotet, C. D., Palomba, D.,Barbui, C., & Cuijpers, P. (2017). *Efficacy of psychotherapies for borderline personality disorder: a systematic review and meta-analysis*. Jama psychiatry, 74(4), 319-328.



- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). **Parenting style as context**: An integrative model. Psychological bulletin, 113(3), 487.
- Farzadfard & Housman(2008). **The Role of Child Rearing Parenting Skills in Reducing Mothers' Stress and Children's Behavioral Problems**. JOURNAL OF IRANIAN PSYCHOLOGISTS SPRIN.4,15,277-292.
- Gunty, Buri (2008). **Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas Online Submission**, Paper presented at the Annual Meeting of the Midwestern Psychological Association (Chicago, IL, May 2008). 33 pp
- Hardy, D. F., Power, T. G., & Jaedicke, S. (1993). **Examining the relation of parenting to children's coping with everyday stress**. Child development, 64(6), 1829- 1841.
- Maccoby, E. E., & Martin, J. (1983). **Socialization in the context of the family: Parent-child interaction**. In E. M. Hetherington (Ed.) , Mussen manual of child psychology (4th ed., Vol. 4, pp. 1-101). New York: Wiley.
- Rizzo, L, Peter D. W., Don S., and Jeffrey Y. (1402). **Cognitive Schemas and Central Beliefs in Psychological Problems**. Translators: Amine Kashanian, Fahima Sadat Sahibi, Najibeh Akbarzadeh Amir Dehi. Editor: Dr. Samieh Mohammadi Tile Towi. Berg Publications and the wind.
- Sheffield, A. Waller, G. Emanuelli, F. Murray, J. and Meyer, C. (2006). **Links between Parenting and Core Beliefs**: Preliminary Psychometric Validation of the Young Parenting Inventory, Cognitive Therapy and Research, Vol. 29, No. 6, pp. 787-802.
- Young (1998). **The Young Schema Questionnaire: short form**, Available at <http://home.sprynet.com/Sprynet/schema/ysqs.htm>.
- Young, J.E., & Brown, G. (2003). **Young Schema Questionnaire-L3a**, Cognitive Therapy Center of New York: Authors.
- Young, R. J. (2003). **Postcolonialism**: A very short introduction. OUP Oxford.